

"امنیت ملی" از نگاه حضرت امیر(ع)



یکی از اهداف مهم هر حکومت، تأمین امنیت مردم آن حکومت است. بررسی امنیت ملی از دید امامان و معصومین به ویژه آنهایی که حکومت را نیز در دست داشته‌اند، مثل علی بن ابیطالب(ع) بسیار مهم و راه‌گشا خواهد بود. گرچه واژه امنیت ملی در صدر اسلام به کار نمی‌رفته، اما اصل وجود آن همواره در دروه‌های مختلف تاریخی از جمله صدر اسلام و در میان حاکمان مسلمان وجود داشته است.

به طور خلاصه امنیت ملی عبارت است از این که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ کنند.

ارکان امنیت ملی از منظر امیر مومنان علی (ع)

وحدت در مسائل سیاسی و اجتماعی

یکی از پایه‌ها و پارامترهای سازنده امنیت ملی، "وحدت و همدلی" حاکم بر مردم است اگر افراد يك جامعه و یا يك مملکت در مسائل مهم و اساسی مملکت با هم همدل و هم جهت باشند، و در اختلافات جزئی و سلیقه‌ای نسبت به سلیقه و نظر خود پافشاری نکنند، خود این وحدت و همدلی باعث استقرار و دوام امنیت ملی می‌گردد. امیر مؤمنان علی(ع) آن گاه که با فتنه خوارج روبرو شد، فرمود: "همواره همراه بزرگترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با این جمعیت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها و پراکنده بهره شیطان است، همچنان که گوسفند تئرو طعمه گرگ می‌شود."

همچنین وقتی که خلافت از امام(ع) دور شد و دیگران بر مسند جانشینی پیامبر(ص) تکیه زدند، افرادی بودند که امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت می‌کردند که برخی از روی دلسوزی و ایمان و برخی دیگر با مطامع سیاسی به دنبال تحریک امام بودند. ابوسفیان یکی از این افراد بود که در حکومت ابوبکر می‌خواست تحت عنوان حمایت از علی(ع) فتنه بر پا کند با این جواب امام(ع) روبه‌رو شد که فرمود: "امواج دریای فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید. از راه خلاف و تفرقه دوری گزینید و نشانه‌های تفاخر بر یکدیگر را از سر بر زمین نهید.

در جایی دیگر امام (ع) ضمن سخنانی با اشاره به توانایی خود در گرفتن حقش تنها دلیل اقدام نکردن برای گرفتن حق خود را جلوگیری از تفرقه مسلمین بیان کرده، و می‌فرماید: "به خدا سوگند اگر بیم تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان طور دیگر بود."

چنان که ملاحظه می‌شود امام علی(ع) در راه ایجاد وحدت مسلمین از حق خلافت خود نیز گذاشتند و 25 سال را در حالی به سختی سپری کردند که به فرموده آن حضرت "پس صبر کردم در حالی که چشمانم را خاشاک و غبار و گلویم را استخوان گرفته بود."

امام علی(ع) در دوران خلافت نیز حفظ وحدت را مهم‌تر از اقدامات نظامی دانسته و در برخورد با بیعت‌شکنان جمل و خوارج نهروان و سپاهیان شام و معاویه پیش از آن که اقدام به جنگ نماید؛ تمام تلاش خود را به کار بست تا از جنگ و خون‌ریزی میان مسلمانان جلوگیری شود و در همه‌ی جنگ‌ها نیز پس از آن که مجبور به جنگ شد یارانش را فرمان داد که آغازگر جنگ نباشند.

به هر حال از آنجا که وحدت یکی از نخستین فاکتورهای مهم برای ایجاد امنیت است، امام علی(ع) نیز همواره بر آن تأکید داشتند و این مهم در گفتار و روش آن حضرت، نمایان است.

جهاد و آمادگی دفاعی عمومی

جهاد و آمادگی دفاعی یکی از پایه‌های ایدئولوژی اسلام است. و این یکی از رمزهای پیروزی چشمگیر مسلمانان به ویژه در صدر اسلام و سده‌های نخستین است.

حضرت در سخنانشان، جهاد را از ارکان استقرار امنیت ملی خواند و محرومیت از آن را مایه سیه‌روزی و ناامنی معرفی نمود.

به عنوان نمونه، آن‌گاه که به حضرت خبر دادند که عمال معاویه با ستمگری کم‌نظیر به شهر «انبار» یورش بردند، و مسلمانان در این شهر به دفاع از خود به پانخاستند،

حضرت در سخنانی به نقش آمادگی دفاعی و جهاد همگانی مسلمانان می‌پردازد و می‌گوید: "مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آنان می‌پوشاند و بلا به آنان هجوم می‌آورد، حقیر و ذلیل می‌شوند، عقل و فهم‌شان تباه می‌گردد و به خاطر تضییع جهاد حق آنان پایمال می‌شود، و نشانه‌های ذلت در آنان آشکار می‌گردد، و از عدالت محروم می‌شوند. آگاه باشید، من شب و روز، پنهان و آشکارا شما را به مبارزه با این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کرده‌ام و گفته‌ام پیش از آن که با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند هر ملتی که در درون خانه‌اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً دلیل خواهد شد ولی شما سستی به خرج دادید و دست از یاری برداشتید، تا آن جا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را تصاحب نمود."

ایمان و تقوای مردمی

ایمان محکم و همراه با تقوای الهی در امنیت ملی نقش به‌سزایی دارد، چون که مسلمان موجد، اولین شعار دینی‌اش، کلمه‌ای «لا اله الا الله» است. مسلمان با این شعار بیان می‌دارد که سر تسلیم به هیچ فردی فرو نمی‌آورد، جز برای خداوند واحد عزوجل، تسلیم هیچ قدرتی نمی‌شود جز قدرت خداوند و از هیچ چیزی نمی‌ترسد، جز از خداوند سبحان، چنانچه امام علی (ع) فرمود: "هرکه از خدا بترسد، خدا او را ایمن می‌گرداند از همه چیز."

مماشات و تسامح و تساهل همه گروه‌ها

در جامعه‌ای که همانند جامعه امروزه ایران در امور سیاسی دگراندیشی برقرار است و از گروه‌های سیاسی متعددی برخوردار است اگر هر يك از این گروه‌ها با دیگران مماشات داشته باشند و از دیدگاه‌های خویش پافشاری‌ها را بزدانند، و تا حدودی با رقیب سیاسی خویش کنار بیایند، خود این کار یکی از پارامترهای مهم در برقراری امنیت ملی به شمار می‌آید.

این حقیقت را امام (ع) هم در سیره و عمل از خود بروز داده و هم در سخنان خویش، بعد از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) با وجودی که حکومت و زمامداری مسلمانان حق مسلم آن حضرت بود، آن‌گاه که احساس کرد، با پافشاری در این حق مسلم امنیت ملی تهدید می‌شود و دشمنان وسوسه می‌شوند از اصرار و پافشاری حق خویش خودداری نمود و در برابر پیشنهاد ابوسفیان و عباس مبنی بر بیعت با آن حضرت پاسخ منفی می‌دهد و چنین می‌فرماید: "ای مردم، امواج کوه پیکر فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید. از راه اختلاف و پراکندگی کنار آیید. تاج تفاخر و برتری جوپی را از سر بنهید. دو کس راه صحیح را پیمودند، آن کس که با داشتن یار و یاور نیروی کافی به پا خاست و پیروز شد؛ و آن کس که با نداشتن نیروی کافی کناره‌گیری کرد و مردم را راحت ساخت. زمامداری بر مردم همانند آبی متعفن و با همانند لقمه‌ای گلوگیر است. آنان که میوه را پیش از رسیدنش چینند، همانند کسی مانند که بذر را در کویر و شوره‌زار پاشد."

قانونمداری

اقتدار و موفقیت نظام و حکومت به این است که کارگزاران نظام مردم را راضی نگهدارند.

امام علی(ع) برای فرماندار آذربایجان، «اشعث بن قیس» می‌نویسد: "فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست. بلکه امانتی است، در گردنت، تو نیز باید مطیع مقام بالاتر باشی. درباره مردم حق نداری استبداد به خرج دهی"

امر به معروف و نهی از منکر

دو مسئولیت بزرگ همگانی، «امر به معروف» و «نهی از منکر» از پایه‌های امنیت ملی به شمار می‌آیند. اگر مردم به این دو وظیفه پایبند باشند و عمل کنند، جامعه روح آرامش و امنیت را به خود می‌بیند؛ از جمله سفارش‌های امام علی به فرزنداناش تذکر آنان به امر به معروف و نهی از منکر است. حضرت خطاب به آنان فرمود: "امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید چون که ترك این دو وظیفه موجب می‌شود که اشرار بر شما مسلط شوند."

اقدامات حضرت امام علی بن ابیطالب(ع) در اثبات حکومت

اقدامات امنیتی

1- خبرگیری از دشمن: یکی از مهم‌ترین اقدامات اطلاعاتی و امنیتی برای مقابله با دشمنان، آگاه بودن از اقدامات و امکانات آنان است. در زمان خلافت امام علی(ع) همواره افرادی از طرف آن حضرت به صورت مخفیانه برای خبرگیری از دشمن به نقاط مختلف فرستاده می‌شدند که اخبار دشمن و تصمیمات آنها را برای امام(ع) گزارش می‌کردند.

از باب نمونه امام در نامه‌ای به قثم بن عباس والی مکه چنین نوشتند: "جاسوس من در مغرب(شام) در نامه‌ای به من اطلاع داده که مردمی از اهل شام با دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و دیده‌های کور مادرزاد گسیل شده‌اند؛ کسانی که حق را از راه باطل می‌جویند و در مصیبت آفریننده و نافرمانی خدا از مخلوق پیروی می‌کنند... پس به آن چه در دست توست (حکومت مکه و حفظ امنیت آن) پایداری کن... و مبادا کاری کنی که به عذر خواهی بیافتی."

2- نظارت بر کارگزاران: یکی از تهدیدهای خطرناک برای هر حکومت، ارتباط دشمن با کارگزاران آن حکومت است. رفع این تهدید، نظارت مستمر و پنهانی بر رفت و آمد و

ارتباطات والیان را می خواهد. در این راستا علی(ع) به وسیله نیروهای اطلاعاتی خود ارتباطات احتمالی دشمن با برخی کارگزاران خود را نیز زیرنظر داشته و در مواردی ضروری آنها را از خطراتی که در کمینشان بود آگاه کرده و به آنها هشدار می دادند.

چنانچه ، امام علی(ع) در نامه‌ای به زیاد خطر معاویه را گوشزد می کنند و می فرمایند: "آگاهی یافتن که معاویه نامه‌ای به تو نوشته، می‌خواهد دلت را بلغزند و می‌خواهد در زیر تو رخنه کند، پس از او برحذر باش، زیرا او شیطانی است که از پس و پیش و راست و چپ شخص می‌آید تا ناگهان در هنگام غفلت عقل او را برباید."

نظارت مخفی امام علی(ع) بر کارگزاران خود در موارد دیگری نیز گزارش شده است. برای نمونه می‌توان به نامه آن حضرت به مصقله بن هبیره شیبانی حاکم اردشیر خوره از جانب امام و نیز عثمان بن حنیف انصاری حاکم بصره از طرف حضرت اشاره کرد.

3- حفظ اسرار نظامی: برخی از اطلاعات و امکانات هر کشور به ویژه امور نظامی آن در هر مقطع زمانی چه جنگ و چه صلح باید از دید عموم حتی ساکنان و کارگزاران آن کشور مخفی بوده و تنها در موقع لزوم از آن آگاه شوند. اهمیت اسرار نظامی به اندازه‌ای است که سربازان و نیروهای نظامی نیز تا زمان اجرا نباید از آن آگاه شوند تا مبدا دشمن از طریق جاسوسان و نیروهای مخفی خود از آن آگاه شده و در صدد ضربه به آن برآمده و یا به تدارک قوا و آمادگی نیروهایش بپردازد.

همانطور که امیرالمومنین نیز به این نکته توجه داشته و در نامه‌ای خطاب به مزدداران و نیروهای مسلح خود ضمن اشاره به برخی از حقوق آنان بر حاکم می‌فرماید: "بدانید که حق شما بر من این است که هیچ رازی جز اسرار نظامی را از شما پوشیده ندارم."

اقدامات نظامی

1- اقدام پیش‌گیرانه: یکی از نکات مهم در برخورد با دشمن این است که باید فرصت حمله را از وی گرفته و او را در موضع دفاعی قرار داد. امام(ع) نیز به این نکته توجه داشته و همواره تأکید می‌کردند که قبل از حمله دشمن باید در مقابل او آماده شد و قبل از آن که در خانه، غافل‌گیر دشمن شوند اقدام به مقابله کرد.

زمانی که طلحه و زبیر بیعت‌شکنی کردند و به سمت عراق رفتند، برخی اصحاب امام از آن حضرت خواستند تا از تعقیب آنان خودداری کند، اما امام ضمن رد این درخواست فرمود: "سوگند به خدا من مانند گفتار خوابیده نیستم تا صیاد به او رسیده و او را در دام اندازد، بلکه همراه کسی که به حق رو آورد و شنوا و فرمانبردار است، برگنه کاری که از حق رو گردانیده شک و تردید در آن دارد شمشیر می‌زنم و می جنگم تا زنده هستم."

در جای دیگر نیز ضمن سرزنش کوفیان و یاران خود و اشاره به تقاضاهای مکرر خود از آنان مبنی بر آماده شدن برای جنگ با دشمنان، به این نکته اشاره می‌کند که اگر جنگ به میان دیار کسانی کشیده شود باعث ذلت و خواری آنها خواهد شد، یعنی اگر کسانی در جنگ و جهاد سستی کنند تا دشمن وارد دیار آنها شود، آنها شکست خورده و خوار می‌شوند. در خطبه 27 نهج‌البلاغه به این نکته اشاره کرده می‌فرماید: "آگاه باشید من شما را به جنگیدن (با معاویه) شب و روز، نهان و آشکار دعوت کردم و گفتم پیش از آن که آنها به جنگ شما بیایند شما به جنگشان بروید. سوگند به خدا هرگز با قومی در میان خانه (دیار) ایشان جنگ نشده مگر آن که ذلیل و مغلوب گشته‌اند."

2- گزینش سپاهیان: امام علی(ع) علاوه بر اهتمام ویژه به وجود سپاهیان سربازان، رسیدگی به وضعیت آنها و نیز انتخاب فرماندهان شایسته و مهربان نسبت به سربازان را نیز مورد توجه قرار می‌دادند، چنان که در نامه خود خطاب به مالک اشتر فرماید: "فرمانده سپاهت را کسی قرار ده که برای خدا و رسول او و برای و پیشوایت پندپذیرتر، پاک دل‌تر و خردمندتر و بردبارترین آنها باشد از کسانی که دیر به خشم می‌آید و زود عذر پذیرند و به زیر دستان مهربان بوده و به زورمندان سخت‌گیری و گردن فرازی نمایند و از آن که درشتی او را از جای نکند و نرمی او را ننشاند."

3 - توجه به امنیت داخلی پیش از جنگ: نکته دیگری که امام علی(ع) بدان توجه داشتند، آن که پشت سر باید محفوظ بماند و هنگام رویارویی با دشمنان، سرزمین‌های داخلی باید در امنیت باشند تا سربازان بدون نگرانی و با آرامش خیال به جنگ با دشمنان بپردازند. وجود خوارج باعث نگرانی سپاهیان و خانواده آنها شده بود و رفتن به جنگ معاویه در حالی که چنین خطری مرکز حکومت علوی را تهدید می‌کرد، بسیار خطرناک بود. بنابر این لازم بود که ابتدا این خطر برطرف گردد و امام علی(ع) نیز سپاهیان خود را که به قصد رفتن به شام و جنگ با معاویه گرد آمده بودند به سوی خوارج راهنمایی کرد و آنها را از میان برد 39 تا بعد از آن به سوی معاویه برود، اگر چه بعد از جنگ خوارج دیگر سپاه امام علی(ع) آمادگی جنگ پیدا نکرد، اما نکته مهم آن بود که خطر خوارج دفع گردد.

اقدامات سیاسی

1 - انتخاب کوفه به عنوان پایتخت: یکی از اقدامات امام در اوایل خلافت، انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه بود. اگر نگاهی به وضعیت جامعه مسلمانان آن زمان افکنده و وضعیت جغرافیایی و انسانی و اقتصادی عراق به ویژه کوفه را در نظر بگیریم، بهتر می‌توانیم به علت این اقدام دست یابیم.

کوفه از جهت اقتصادی، جغرافیایی و نیروی انسانی بر حجاز برتری داشت. از نظر جغرافیایی عراق حالت مرکزی برای سرزمین‌های اسلامی داشت و بهتر و زودتر می‌توانست به مقابله خطرات احتمالی که از نواحی مختلف متوجه سرزمین‌های اسلامی می‌شد، بشتابد، در حالی که مدینه از چنین موقعیتی برخوردار نبود.

از جهت اقتصادی نیز وضعیت اقتصادی عراق با حجاز قابل مقایسه نبود. حجاز سرزمینی خشک و بی‌آب و از جهت کشاورزی فقیر بود، در حالی که منطقه عراق

سرزمینی پر نعمت و سرسبز بود و همین سرسبزی آن که از دور به سیاهی می‌زد باعث نام‌گذاری آن به منطقه سواد شده بود.

از جهت نیروی انسانی هم علاوه بر آن که منطقه عراق جمعیت بسیار بیشتری نسبت به حجاز داشت، دوست‌داران و شیعیان امام علی(ع) در آن جا به ویژه در کوفه فراوان بودند.

2 - مذاکره و نامه‌نگاری: امام در دوران خلافت همواره بر جلوگیری از جنگ و خونریزی تأکید می‌کردند و در مقابل دشمنان، نخست به مذاکره و نامه‌نگاری و استفاده از روش‌های دیپلماتیک توجه داشته و تلاش می‌کردند اختلافات را بدون درگیری و جنگ خاتمه داده و رقیبان و دشمنان را با استدلال و برهان متقاعد کنند. رفتار آن حضرت پیش از جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین که بدان اشاره شد گویای این مدعاست.

موانع بسط امنیّت ملی از دیدگاه امیرالمومنین علی (ع)

سستی و تنبلی در دفاع ملی

در حکومت چند ساله امیر مؤمنان علی (ع) در مورد استقرار امنیّت ملی، فراز و نشیب‌هایی وجود داشت که همه آنها برای ما درس زندگی، درس دین‌داری و درس حکومت‌داری است.

در آن ایّامی که مردم زیر پرچم، به ندای آن حضرت مبنی بر گرم نگهداشتن جبهه نبرد با «ناکثین»، «قاسطین» و «مارقین» لبیک می‌گفتند و فعالانه در این حرکت دفاعی ملی شرکت می‌کردند، امنیت ملی برقرار می‌بود؛ ولی در هنگامی که مردم به جای لبیک گفتن، به سستی و تنبلی و بهانه تراشی رو می‌آوردند، امنیت ملی آنان به خطر می‌افتاد و متزلزل می‌شد و دشمنان از این فرصت سوءاستفاده می‌کردند.

حضرت علی این حقیقت تلخ را چنین بیان می‌دارد: "نفرین بر شما، از بس شما را سرزنش کردم خسته شدم. آیا به جای زندگی آخرت به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟! به جای عزّت و سربلندی، بدبختی و ذلت را بر گزیده‌اید؟! بر شما اعتماد نیست که در دفع دشمن به شما تکیه شود... به خدا سوگند شما وسیله بدی برای افروختن آتش جنگ بر ضدّ دشمن هستید."

اختلافات داخلی

امام علی(ع) در تفسیر و تحلیلی که از آینده جامعه عراق و کوفه نمود، یکی از عوامل ناامنی که در آینده گریبانگیر این شهر می‌شود را اختلافات داخلی بیان نمود. حضرت بعد از آگاه شدن از حمله وحشیانه بسربین ارباطه به مناطق تحت کنترل آن حضرت، فرمود: " به جهت اختلاف و تفرقه شما من شکست شما و تهدید امنیت ملی شما را می‌بینم."

کم رنگ شدن ایمان و تعهّد دینی مسلمانان

شکی نیست که ایمان یکی از پارامترهای بسیار قوی در توان و انسجام مبارزان به شمار می‌آید حال اگر این ایمان کم‌رنگ شود و یا تعهد دینی مبارزان ضعیف شود، طبیعی است که ملت برای برقراری امنیّت خویش، توانش را از دست می‌دهد. چنانچه امام علی می‌فرماید: " هرکه بترسد از مردم خداوند سبحان بترساند او را از هرچیز."

جنگ افروزی

اگر فردی، جمعیتی و کشوری در پی تهاجم نظامی و زدودن امنیت دیگران باشد، بازتاب این کار این است که امنیت خویش را از دست می‌دهد. حضرت امیر(ع) فرمود: " هر که جنگ کند با مردم، ربوده شود اموال او."

قانون‌شکنی

رواج هر نوع قانون‌شکنی، پرده‌دری، بی‌حرمتی و هتک حرمت دیگران، خود عامل و زمینه‌ساز ناامنی است.

چنانچه امام علی به رعایت هر نوع حقوق مردم سفارش می‌نمود. حتّی حضرت اجازه نمی‌داد به غیر مسلمان ظلم و ستم روا داشته شود. چنانکه نوشته‌اند: در دوران حکومت حضرت امیر مومنان علی(ع) شخص مسلمانانی خوك يك ذمی نصرانی را کشته بود، حضرت به نفع ذمی نصرانی و به ضرر مسلمان حکم کرد که باید به خاطر این کار بهای آن را به نصرانی بپردازد.

حرمت‌شکنی نسبت به رهبر

در پایان جنگ صفین و جریان حکمیت عده‌ای که بعدها به خوارج نام یافتند، نسبت به رهبر و امام المسلمین گستاخ شدند، حرمت‌شکنی کردند، خودشان را بر حضرت علی بن ابیطالب(ع) مقدم داشتند، این امر زمینه‌ساز هجوم ناامنی برای کوفیان شد.

چنانچه امام علی در یکی از سخنرانی‌ها این حقیقت را بیان می‌دارد که مخالفت با رهبر و حرمت‌شکنی سبب می‌شود که سرانجام با هجوم دشمن، امنیت ملی به مخاطره افتد و دشمن تفوق یابد و مایه بدبختی و سیه‌روزی مردم شود. فرمود: "به من خبر رسیده است که «بُسر» از عمال معاویه، بر یمن مسلط شده است، به خدا سوگند، من از قبل می‌دانستم و می‌دانم که این‌ها به زودی بر شما مسلط خواهند شد، چون که آنان در یاری از باطلشان متحدند و شما در راه حق متفرقید. شما پیشوای خویش را که در مسیر حق به پا خاسته است اطاعت نمی‌کنید ولی آنان پیشوای خویش را که در مسیر باطل است، اطاعت می‌کنند."

غفلت از وجود دشمن

هم جدال و دشمنی و جنگ با مردم باعث ناامنی می‌شود. و هم بی‌توجهی و غفلت از دشمن زمینه‌ساز ناامنی است. چنانچه امام علی فرمود: "هر که ایمن نشیند از ربوده شدن اموال، ربوده شود اموال او."

فساد کارگزاران

حضرت در این آینده‌نگری و تحلیل از وضعیت حال و آینده جامعه عراق یکی از عوامل تحقق ناامنی را فساد کارگزاران اعلان می‌کند. و می‌فرماید: "چون که شما در شهرهایتان در پی فساد هستید ولی سپاهیان دشمن در پی صلاح، شما در آینده‌ای نزدیک شکست می‌خورید."

منابع:

نهج‌البلاغه

غرر الحکم

تاریخ طبری

سایت معارف قرآن

فقهاء و مساله امنیت ملی

فصلنامه علوم سیاسی، شماره 9

مواضع سیاسی حضرت علی(ع) در قبال مخالفین

به قلم: سید محمد ناظم‌زاده قمی

خبر گزاری ابنا